

حکروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی: آزمون نظم نهادی - فضایی ارتباطی و فاعلیت مندی غیر اقتصادی مطالعه موردی: کلان شهر تبریز

دکتر محمدرضا پورمحمدی، استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز
دکتر کریم حسین زاده دلیر، استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز
عیسی پیری^۱، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز

چکیده

حکروایی مطلوب شهری فصل مشترک تمام کنشگران اجتماعی است و ریشه در چشم انداز مدیریت عمومی نو دارد که از اواخر دهه ۱۹۸۰ با ابتکار عمل بانک جهانی و مرکز اسکان بشر سازمان ملل و سایر نهادهای بین المللی در ادبیات توسعه وارد شده است و در واقع رهیافتی ساختار شکنانه به برنامه ریزی توسعه شهری دارد و با مشارکت و کنش متقابل میان بازیگران اصلی مدیریت شهری یعنی جامعه مدنی، حکومت و بازار و بخش خصوصی، از یگانه الگوی توسعه شهری و مبتنی بر عقلانیت ابزاری گذر کرده و متشکل بر بنیان سرمایه اجتماعی شهروندان و عقلانیت ارتباطی، الگوی جایگزین شهرنشینی ارتباطی را پیش می‌گیرد. در این مقاله با استدلال قیاسی و با توجه به تعدد مولفه‌های حکروایی مطلوب شهری، شاخص‌های آن متناظر با متغیر مستقل تحقیق، یعنی سرمایه اجتماعی انتخاب شده است. جامعه آماری مورد نظر به منظور سنجش متغیر وابسته تحقیق (حکروایی مطلوب شهری) شامل شهرداری تبریز به عنوان نهاد دولتی و رسمی، شورای شهر به عنوان فراگیرترین نهاد مدنی و شهروندان و بخش خصوصی به عنوان مولفه بازار می‌باشد که نتایج تحقیق همبستگی معنی داری را بین خلق و ایجاد حکروایی مطلوب شهری از رهگذر جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی:

کنش ابزاری، کنش ارتباطی، شهرنشینی ارتباطی، فاعلیت مندی غیر اقتصادی، جامعه مدنی، سرمایه اجتماعی، حکروایی مطلوب شهری

۱- مقدمه

گفتمان پیشرفت^۱ در عصر روشنگری، محتوای کنش‌های اجتماعی را بیشتر بر بنیان عقلانیت ابزاری و فاعلیت مندی سود مدار اقتصادی قرار داده است. مفهوم "گسیختن بنیادین" مدرنیته (کالینیکوس، ۱۳۸۵: ۳۹) که فیلولوزوف‌های^۲ روشنگری در اسکاتلند و فرانسه به هواخواهی آن برخاستند در عرصه‌ی توسعه‌ی فضایی، شکل شهرنشینی سریع، قطبی شدن و گذار به پارادایم اقتصادی - اجتماعی صنعتی شدن به خود گرفت که با توسل به آنچه که راینهارت کازلک آن را شتاب‌گیری تاریخ در حرکتی روبه جلو می خواند، بند ناف جوامع مختلف را از گذشته شان^۳ برید. مدیریت و برنامه ریزی توسعه شهری با رهیافتی ازآلیدی و از بالا به پایین، باعث زوال حوزه‌ی عمومی و جامعه‌ی مدنی شده و در نتیجه بخش اعظم جامعه شهری شامل اجتماعات محلی و گروه‌های غیر رسمی^۴ که نقش مهمی در افزایش قدرت چانه زنی شهروندان دارند، از فرایند تصمیم‌گیری‌های شهری کنار گذاشته می‌شوند. کاهش کارایی و تاثیر گذاری سیاست‌های شهری و در عین حال نابرابری در توزیع مناسب کالاهای عمومی شهر و حاکمیت عقلانیت ابزاری و مالکیت خصوصی در سازمان یابی فضایی شهر، دست پنهان بازار و بازی تعادل عرضه و تقاضا را جایگزین کنش‌های انسانی و ارتباطی کرده است. حکمروایی مطلوب شهری فصل مشترک تمام کنشگران اجتماعی است و ریشه در چشم انداز مدیریت عمومی نو دارد (Sadashiva, 2008:6) که از اواخر دهه ۱۹۸۰ با ابتکار عمل بانک جهانی و مرکز اسکان بشر سازمان ملل و سایر نهادهای بین المللی در ادبیات توسعه وارد شده است و در واقع رهیافتی ساختار شکنانه به برنامه ریزی توسعه شهری مدرن دارد که بیشتر مبتنی بر مالکیت خصوصی و عقلانیت ابزاری است. حکومت شهری شامل نهادهای رسمی و سازمانهای دولتی به علت برخورداری از نظامی سلسله مراتبی توان برخوردی همه جانبه با تغییرات سریع و گسسته‌ی جامعه شهری را ندارند و عدم توازن در توزیع مناسب کالاهای عمومی باعث شکل گیری جزیره های متباین اقتصادی - اجتماعی می‌شود و با بیگانگی جوامع شهری، آینده شهرنشینی را تهدید می‌کند. سرمایه‌ی اجتماعی، عنصر پیوند دهنده‌ی شهروندان در بازی حکمروایی مطلوب شهری است. رابرت پوتنام اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی را این چنین تعریف می‌کند: "جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی همانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که همیاری و همکاری برای دسترسی به منافع متقابل را تسهیل می‌کند" (Putnam, 1993:167)، بنابر این در ایجاد کنش جمعی در فرایند حکمروایی شهری نقشی اساسی دارد. ما معتقدیم که کنش جمعی و در کنار هم آمدن اجتماعات محلی، صرفاً محصول حسابگری عقلانی نیست بلکه مبتنی بر فاعلیت مندی غیر اقتصادی و گفتمان ایده آل کلامی است که در نهایت با تسهیل گری فرایند فوق، الگوی شهرنشینی ارتباطی جایگزین شهرنشینی ابزاری می‌شود و نهادهای جامعه مدنی و بخش خصوصی در کنار دولت و شهرداری نقش موثری در تصمیم گیری های شهری ایفا می‌کنند.

^۱ - Progress Discourse

^۲ - فیلولوزوف واژه ای است که اکثراً در متون نظریه های اجتماعی و جغرافیای انسانی و متون فلسفی به اندیشمندان فرانسوی و اسکاتلندی عصر روشنگری گفته می‌شود.

^۳ - این گذشته هم از نظر بازنمایی هستی شناختی و هم از نظر معرفت شناختی به صورت خطی نگریسته می‌شد و مبتنی بر تاریخ سنتی - یزدان شناختی بود.

^۴ - واژه غیر رسمی در واقع اشاره دارد به گروه‌های جامعه مدنی که فاقد قدرت قانونی و رسمی بوده اما در عین حال ناظرچالش برانگیز عملکردهای حکومت و نهادهای رسمی است. در پایان دهه ۱۸۲۰ چارلیسم نخستین گروه غیر رسمی می‌باشد که بر طبقه کارگر صنعتی استوار بود.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- شهرنشینی، کنش ابزاری^۱ و کنش ارتباطی^۲:

شهرنشینی الگویی از زندگی و یکی از بنیان‌های اصلی جامعه مدرن تلقی می‌شود. بسیاری از اندیشمندان، رشد و بالندگی شهرنشینی را در وهله‌ی اول مدیون عقلانیت و کنش ابزاری معطوف به سرمایه‌داری تلقی می‌کنند به خصوص در عصر روشنگری که با پشتیبانی نظری اندیشه‌ی لیبرالیسم آغازین، همانند سودمداری جامعه تجاری، فایده‌باوری بن‌تام و همراه بود. عده‌ای معتقدند که آغاز مدرنیسم همبسته با گسترش شهرنشینی و ظهور قلمرو همگانی (حوزه عمومی) است (حقیقی، ۱۳۸۷: ۱۹) و پروژه فکری آن آرمان حاکمیت خرد بر زندگی فردی و اجتماعی انسان، یعنی خرد باوری و تحقق پیروزی خرد انسانی (احمدی، ۱۳۷۳: ۱۸) است، اما جنبه‌ی دیگر این پیروزی، فردباوری و شالوده‌باوری به معنای استقرار نظام باورها بر بنیاد بی‌چون و چرایی است که در نهایت همزاد مطلق انگاری سودمحور بورژوازی می‌شود که زمینه را برای سلطه‌ی عقل ابزاری و زوال حوزه‌ی عمومی فراهم می‌آورد. تعقل ابزاری- استراتژیک از منظر فوکو و هابرماس تعقلی است که هدف و موفقیت آن در اعمال سلطه هر چه موثرتر و بیشتر بر طبیعت و انسان است (حقیقی، ۱۳۸۳: ۱۸۸). این سلطه با انگاره‌ی شناخت شناسانه پوزیتیویسم همراه شد. به نظر هابرماس، شناخت علمی به معنی اثباتی مبتنی بر یک دسته علایق انسانی یعنی علایق تکنیکی است. وی در مقابل، علایق عملی انسان و درک روابط تفاهمی و بینادهمی را که بر ویژگی زبان در انسان تکیه دارند مبنای حوزه شناخت تاویلی می‌داند و از دو خط عقلانیت در تمدن یعنی عقلانیت ابزاری و عقلانیت فرهنگی (ارتباطی) بحث کرده است. او معتقد است که گسترش حوزه‌ی عقلانیت ارتباطی مستلزم گسترش توانایی‌های کلامی و ارتباطی است (بشیریه، ۱۳۸۸: ۵-۶) و مباحثه (گفتمان) عقلانی فارغ از سلطه و آسیب‌های زبان‌شناختی و معطوف به تفاهم بین‌الذهانی و وفاق و اجماع، دقیقاً همان نوع عملی است که مناسب حوزه عمومی است (همان منبع: ۳۱) که چهارچوب اساسی دموکراسی است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۹۷۷). با اوج‌گیری شهری شدن جمعیت، عقلانیت ابزاری و سودمدار، فضای شهر را به کالایی قابل خرید و فروش و مالکیت فردی تبدیل کرده است که پیامد ناخواسته این نگاه اقتصادی در دوران معاصر، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و محیطی ناشی از نابرابری اقتصادی است. از هم پاشیده شدن اجتماعات محلی مخصوصاً در شهرهای بزرگ به زوال حوزه عمومی و در نهایت تهدید شهرنشینی منجر شده است. ابزار لازم برای رهایی از بن بست بیگانگی اجتماعی در شهرهای معاصر و چانه زنی با حکومت همانا احیای اجتماعات محلی و برقراری حوزه عمومی از رهگذر آن است.

۲-۲- جامعه مدنی^۳، سرمایه اجتماعی و فاعلیت مندی غیر اقتصادی^۴:

مهم‌ترین عنصر مفهوم سازی‌های فرا اقتصادی از توسعه، جامعه مدنی است. اصطلاح جامعه مدنی همانند بسیاری از مفاهیم دیگر مانند آزادی، دموکراسی و غیره در گذشته، بخصوص دوران یونان باستان مطرح بوده است اما در اندیشه‌ی مدرن معنا و مضمون متفاوتی پیدا کرده است (غنی نژاد، ۱۳۷۸: ۱۴). این مفهوم به مکاتب تفکر لیبرال و یا پسا مارکسیستی تعلق دارد که حاکی از ایجاد فضایی دموکراتیک به منظور رویدن و

^۱- Instrumental

^۲- Communitarian

^۳- Civil society

^۴- Noneconomic agency

رشد کنشگران و نهادهای بخش خصوصی است (Mercer, 2003: 747) و اغلب به عنوان بخش سوم^۱ مجزا از بازار و دولت شناخته می شود و نقشی اساسی در گسترش حقوق مدنی (Roy, 2007: 678) و ظرفیت واقعی افراد و سازمان های محلی برای چالش با ساختارهای قدرت دارد (Batterbury and Fernando, 2006: 1855). در فلسفه ی سیاسی غرب این مفهوم در عصر روشنگری و از مکتب اسکاتلند ظاهر شد. آدام فرگوسن در سال ۱۷۶۷ این مفهوم را برای مقایسه ی وضعیت توحش و تمدن و تمایز فرهنگی بین قبایل سنتی و جنگجوی هایلند با جامعه شهری ادینبورو به کار می گیرد (عطارد، ۱۳۸۸: ۱۳۱). هگل از مفهوم جامعه ی مدنی به عنوان بنیاد زندگی اخلاقی در کنار خانواده و حکومت یاد می کند و از منظر او شامل نظام نیازها و شکل های تنظیم عمومی است (کالینیکوس، ۱۳۸۵: ۸۹). احیای این مفهوم در نظریه های دموکراسی بیشتر مدیون آلکسی دوتوکویل است که جامعه مدنی را حفاظ اصلی در برابر اقتدار گرایی حکومت اکثریت در یک دموکراسی توده ای می داند. بنابراین جامعه مدنی عبارت از تشکیل فعالانه روابط نهادی از رهگذر چانه زنی با حکومت (Perkins, 2009: 397) و دال بر مفهومی کثرت باورانه از جامعه است (Ayers, 2008: 8) و عده ای معتقدند که توسعه دموکراسی از رهگذر چالش ها و تنش های سازنده بین دولت و جامعه مدنی اتفاق می افتد (Ibid). رابرت پوتنام، با مطالعه بر روی حکومت های منطقه ای ایتالیا در شمال و جنوب به این نتیجه می رسد که توسعه یافتگی مناطق شمالی همانند امیلیا رومانا و توسکانی ناشی از سنت های قدرتمند مشارکت مدنی در مسائل عمومی است. مفهوم مورد نظر پوتنام سرمایه ی اجتماعی است که آنرا مدلول روابط مدنی و جامعه مدنی می داند. سرمایه ی اجتماعی نهفته در هنجارها و شبکه های مشارکت مدنی، ظاهراً پیش شرط توسعه اقتصادی و حکومت کارآمد هستند (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۹۸) به عبارتی کیفیت جامعه ی مدنی سرنوشت توسعه سیاسی و اقتصادی آینده در یک منطقه را رقم می زند (Siisiainen, 2000: 3). مهم ترین عنصر جامعه مدنی NGO ها و اجتماعات محلی^۲ است که در عین حال مهم ترین منبع تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی^۳ نیز هستند. رابرت پوتنام سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می کند: "جنبه هایی از سازمان اجتماعی همانند شبکه ها، هنجارها و اعتماد که همیاری و همکاری برای دسترسی به منافع متقابل را تسهیل می کند (Putnam, 1993, 167) و زمینه دست یابی به کالای عمومی را فراهم می آورد (Maru et al, 2007: 183). تعریف او به مزایای جمعی شبکه اجتماعی (Snelgrove, 2009: 1993; Jones, 2010: 123) و ابعاد انسجام اجتماعی همانند اعتماد بین فردی و هنجارهای معامله به مثل (Carpiano, 2008: 569) توجه دارد و شامل ویژگی ها و کیفیات روابط اجتماعی است (Folland, 2007: 2343). زمانی که جیمز کلمن مدعی شد سرمایه اجتماعی کالای عمومی است و لذا به وسیله عوامل خصوصی که در بازارها به تعامل با یکدیگر می پردازند به مقدار کفایت تولید نمی شود (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۱۷۰) در حقیقت با نگاهی ابزاری به سرمایه اجتماعی، فعالیت مندی کنشگران اجتماعی را فقط مدلول روابط عقلانی مبتنی بر بازار نمی داند بلکه از رهگذر سرمایه اجتماعی، نوعی فعالیت مندی غیر اقتصادی مفروض است که در دستیابی به اهداف اقتصادی بسیار موثرتر و کم هزینه تر از عناصر اقتصادی عمل می کند. پولانی معتقد است که کنش اقتصادی، محصور شبکه ها، نهادها و روابط غیر اقتصادی است (Polanyi, 1992: 34) و ارتباطی بنیادین بین فرایندهای اقتصادی و اجتماعی وجود دارد و نطفه ی مناسبات بازار در درون ساختارها، شبکه ها و مقاصد اجتماعی گسترده تر منعقد شده

^۱- Third sector

^۲- Community

^۳- Social capital

است. مدل بازار غربی (عقلانیت اقتصادی)، سازه ای فرهنگی و بر ساخته از روی کاربست عموماً محدود نوعی عقلانیت انتزاعی است (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۱۶۵) حتی به نظر او مفهوم قیمت که در چارچوب اقتصاد کلاسیک یک شاخص مقتضی و متناسب است (Button, 2002: 230)، تنها در چارچوب مناسبات ساخت یافته جمعی امکان تحقق می یابد (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۱۶۱) و کارایی معاملات اقتصادی هم چون پیمانکاری یا کاریابی وقتی درون شبکه های اجتماعی انجام گیرند افزایش می یابد (Granovetter, 1985: 490). از این رو اندیشه ی آدام اسمیت و دیگر نظریه پردازان اقتصاد کلاسیک مبنی بر شکل گیری قیمت از رهگذر عقلانیت صوری اقتصادی و دست پنهان بازار، ناکافی به نظر می رسد. بنابراین جامعه مدنی فعال و پویا به تولید سرمایه اجتماعی می انجامد و در مقابل سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی را تقویت می کند و در نهایت تعامل مناسب این دو از رهگذر شبکه های اجتماعی و اجتماعات محلی، الگوی فاعلیت مندی غیر اقتصادی را به منظور دست یابی به منابع مالی و قدرت به وجود می آورد.

۲-۳- نظم نهادی - فضایی ارتباطی:

سرمایه ی اجتماعی ذات واحدی نیست. ماهیتهای متنوعی است که واجد دو عنصر هستند؛ همه ی آنها شامل جنبه ی از ساختار اجتماعی هستند و روابط واقعی کنشگران (شخصی، گروهی، تعاونی) را درون این ساختار تسهیل می کنند (Coleman, 1990, Spelleberg, 2001: 10). به عبارت دیگر سرمایه ی اجتماعی شامل جنبه هایی از ساختار اجتماعی است که کنش جمعی را تسهیل کرده (Suzuki, 2010: 1368) و منابعی را جهت دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار می گذارد (Chuang, 2008: 1322) بنابراین همین که کنشگر وارد حوزه ی عمومی^۱ روابط اجتماعی شد، واجد سرمایه اجتماعی می شود. اما مالکیت سرمایه اجتماعی همانند کالاهای عمومی^۲ با توجه به تنوع آن متفاوت است؛ به عبارت دیگر و از منظر اقتصاد سیاسی می توان صورتی ابزاری به آن داد. بورديو عنوان می کند که مردم دسترسی نابرابری به منابع شبکه - مبنا دارند و این تئوری جنبه های منفی سرمایه اجتماعی مخصوصاً محرومیت افراد خاصی را از دستیابی به منابعی که متقارن با یک شبکه است را می شناساند (Carpiano, 2008: 569) از این رو می تواند بر موضوعات و پیامدهای اقتصادی و محیطی تاثیر منفی داشته باشد (Ishihara, 2009: 1550). رابرت پوتنام از دو نوع سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی^۳ و سرمایه اجتماعی اتصالی^۴ بحث می کند که نوع اول را می توان در همه نوع روابط اجتماعی دید که حاکی از روابط میان اعضای یک شبکه (Chuang, 2008: 1321) و عمق زیاد روابط فردی است که توانایی گروهی برای تحت تاثیر قرار دادن رفتار فردی را تقویت کرده و اعضا را برای کنش در جهت منفعت گروهی تحریک می کند (Besser, 2009: 186). اما نوع دوم مستلزم تولید، مراقبت و بازتولید است که در عرصه عمومی بوجود می آید. این نوع سرمایه ی اجتماعی شامل پیوندهای بین گروه های مختلف جامعه است که ضرورتاً هویت های اجتماعی مشابهی ندارند و به سطوح عدالت اجتماعی، انسجام و احترام متقابل در جامعه به عنوان یک کل (Poortinga, 2006: 256) و به روابط بین افراد از گروه های مختلف و گذار از مرزهای گروهی و در کنار همدیگر آوردن مردم از گروه های مجزا به درون یک اجتماع محلی اشاره دارد (Besser, 2009: 186). تسهیم دانش (Ishihara and Pascuala, 2009: 1550) و انسجام بسیار فراگیر (Titeca and Vervisch, 2008: 2206) بین

¹ - Public Sphere

² - Public goods

³ - Bonding social capital

⁴ - Bridging social capital

مردمانی با زمینه های فرهنگی و ارزشی متفاوت (Andrews, 2008: 431) موقوف به وجود سرمایه های اجتماعی اتصالی است که مرزهای تعیین یافته ی طبقه ای، قومی و جنسیتی را در می نوردد و همچنین می تواند شامل پیوندهای افقی میان گروه های دینی به منظور گسترش تفاهم های بین دینی یا الزام به فعالیت های مدنی همانند پشتیبانی از برنامه های کاهش فقر باشد (Schneider, 2007: 578). جنبه ای از این عرصه ی عمومی، فضایی - کالبدی است که متقارن با انتظام نهادی است. به این ترتیب که هرچه قدر حکومت شهری واجد بنیان های دموکراتیک و مبتنی بر ارزش های برخاسته از اجتماعات محلی باشد به همان میزان دارای عرصه - های عمومی فراختر و بازتر خواهد بود. هم در حوزه ی رسانه های جمعی و هم در حوزه ی فضاهای شهری. مهم ترین عرصه فعالیت نظم نهادی - فضایی مبتنی بر عقلانیت ارتباطی، ارائه کالاهای عمومی و حفاظت از حوزه عمومی است. در واقع مهم ترین وظیفه ی حکومت تهیه کالاهای عمومی است (Zhang, 2004: 2859). این کالاها از اموال خصوصی متمایز است و حالت همگانی دارند به عنوان مثال، غذا از مصادیق کالاهای خصوصی است، اما بهداشت مواد غذایی از مصادیق کالاهای عمومی است (پتربیک، ۱۳۸۱: ۳۶) به عبارتی مصادیق بارز کالاهای عمومی عبارتند از هوای پاکیزه، چراغ خیابان ها، دفاع ملی، قانون و نظم (همان منبع). باید به این لیست مراقبت های بهداشتی و درمانی، آموزش و حتی حفظ سطح حداقل درآمد و آزادی را بیافزاییم. از نظر فضایی، مکان یابی مناسب خدمات شهری و حفظ دسترسی ها نیز کالایی عمومی محسوب می شود. هاروی معتقد است که مکان یابی را به عنوان شکل خاصی از نظریه حاکم بر تامین کالاهای عمومی در نظر آوریم (هاروی، ۱۳۷۹: ۸۳). کالاهای عمومی هم می تواند توسط بخش خصوصی هم به وسیله ی بخش دولتی تهیه و عرضه شود. در حالت اول قیمت ها به عنوان عاملی برای حل تناقض میان ضرورت فنی تولید، در محدودی نقاط مشخص فضا و ضرورت فیزیکی مصرف در نقاط متعدد و پراکنده عمل خواهند کرد. اما هاروی معتقد است که ساز و کار بازار در امر مکان یابی کالاهای عمومی و رساندن نظام به تعادل پاره تو کارآمد نیستند. همان طور که این ساز و کارها در بازار مسکن نیز ناموفق هستند، زیرا الگوی مکان یابی که از طریق منحنی های عرضه و تقاضا شکل می گیرد، ضرورتاً منطبق بر تعادل پاره تو نیست (همان منبع: ۸۵). در حالت دوم دخالت دولت در تامین و عرضه کالاهای عمومی ناشی از ناکارآمد بودن ساز و کارهای بازار در ارائه آنها است، زیرا نمی توان قیمت مناسبی برای این کالاها مشخص کرد، بنابراین این کالاها (خدمات آموزشی، آتش نشانی و پلیس و ...) توسط دولت تامین می شود (همان منبع: ۸۵). از این رو نظم نهادی - فضایی ارتباطی، مبتنی بر اقدام جمعی تولید و توزیع آنهاست. اما معضل کالاهای عمومی، سواره گیری^۱ است به این معنی که افراد جامعه یا از پرداخت هزینه های تامین آنها خودداری می کنند و یا مالکیت آنها خصوصی می کنند که این معضل بنیادین همکاری را، دانشمندان علوم اجتماعی تحت عناوینی چون مصیبت اراضی مشاع^۲، منطق کنش جمعی^۳، دوره ی زندانی^۴ و ... تحلیل کرده اند (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۹۴). به عنوان مثال هزینه های زیست محیطی ناشی از مکان یابی نامناسب تاسیسات صنعتی و یا آلودگی هوای ایجاد شده توسط کارخانجات بخش خصوصی و دولتی، نمونه ای از آن است. در بسیاری از شهرهای جهان سوم، مردم فقیر شهر به طرز نامتناسبی تاثیرات منفی آلودگی آب، زمین و هوا را تجربه می کنند و این در حالی است که

^۱ - Free rider

^۲ - Tragedy of the commons

^۳ - The logic of collective action

^۴ - Prisoner's dilemma

درآمدهای فزاینده بین گروه‌های طبقه متوسط و ثروتمند در همان شهرها باعث تراکم ترافیک و قیمت‌های سر به فلک کشیده زمین و مسکن می‌شود (Baud and Dhanalakshmi, 2007: 134). بنابراین به منظور تسلط بر این کشاکش‌ها، نیاز به برترین شکل تعلق اجتماعی (Hegel, 1975: 95) یعنی حکومت است.

۲-۴- حکومت^۱ و حکمروایی مطلوب شهری^۲:

گذار از شهرنشینی، ابزاری به الگوی شهرنشینی ارتباطی و مبتنی بر گفتمان ایده آل کلامی، مستلزم رهیافت‌های نوین مدیریت شهری است. حکومت شهری و به طور مشخص شهرداری‌ها توانایی لازم برای مواجه شدن با تغییرات بنیادین و گسسته جامعه پسا مدرن را ندارند و تغییرات پی‌درپی در نواحی شهری به انواع جدید رهیافت‌های برنامه‌ریزی نیازمند است (Baud and Dhanalakshmi, 2007: 133) که در برگیرنده تمام بازیگران و کنشگران شهری باشد

. مفهوم حکمروایی شهری توجه بسیاری از محققان را در سال‌های اخیر به خود جلب کرده است (Marissing et al, 2006). گفتمان حکمروایی، عنصر ذاتی همکاری بین جامعه مدنی و جامعه سیاسی و هم‌چنین بین دولت و شهروندان است و ریشه در چشم انداز مدیریت عمومی نو^۳ دارد که در واقع پاسخی به ناامیدی و دلزدگی از شکست‌های مشهود دولت رفاه،^۴ در فراهم آوردن موثرتر و کارا تر کالاها و خدمات عمومی است (Sadashiva, 2008: 6). بین حکومت و حکمروایی تمایز وجود دارد و عده ای از محققین بر این باورند که این دو مفهوم ضرورتاً غیر قابل جمع بوده و در مقابل همدیگر قرار دارند (Bulkeley, 2005: 877). حکومت شامل راهبری، هدایت، تنظیم، تاثیرگذاری و تعیین کردن است که اغلب به همراه قدرت و اجرای امور مربوط به دولت (Rakodi, 2003: 524) و ایده‌ی سلسله مراتبی و عقلانی راهبری است (Buizer and Herzele, 2010: 2) که به ساختار نهادی و مکان تصمیم‌گیری اقتدارگرایانه مربوط می‌شود در حالی که جوهره‌ی حکمروایی روابط بین و درون نیروهای حکومتی و غیر حکومتی (Stoker, 1998: 38) و به نوعی صورت بندی و مباشرت قوانین رسمی و غیر رسمی مربوط می‌شود که حوزه‌ی عمومی را تنظیم کرده و صحنه‌ای است که دولت به منظور اتخاذ تصمیمات با کنشگران اقتصادی و اجتماعی تعامل دارد (Heyden et al, 2004: 16) و شامل ارزش‌ها، نهادها و فرایندهایی است که از طریق مردم و سازمان‌ها در جهت اهداف عمومی، تصمیم‌گیری، ایجاد اقتدار و مشروعیت اقدام می‌کند (Bhuiyan, 2010: 127). حکمروایی مطلوب شهری در سال ۱۹۹۴ به یک مشغله ذهنی (Williams and Young, 1994: 84) و پنج سال بعد به یک اجبار تبدیل شده بود (Ahmed, 1999: 295). بانک جهانی^۵ اصطلاح "حکمروایی مطلوب" را اولین بار وارد گفتمان توسعه کرد (Sadashiva, 2008: 7) و سپس از طریق نهادهای مهم بین‌المللی توسعه، همانند بانک توسعه‌ی آسیا در سال ۱۹۹۵، صندوق بین‌المللی پول با توجه به تجارب خوب شفافیت مالی در سال ۱۹۹۶، برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۷ به جریان عادی ادبیات موجود تبدیل شد (Roberts et al, 2007: 970). سازمان اخیر حکمروایی مطلوب را مشارکت برابر همه شهروندان در تصمیم‌گیری (UNDP, 2005) می‌داند که نه تنها شامل دولت بلکه همچنین شامل جامعه مدنی و بازار است (Roberts

¹ - Government

² - Urban Good Governance

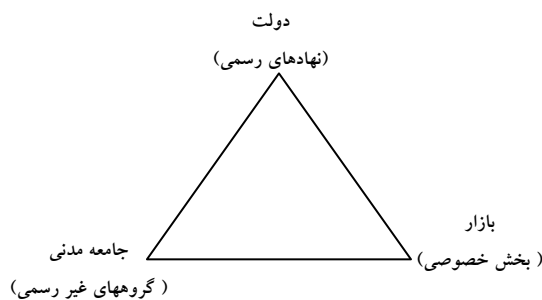
³ - New public management (NPM)

⁴ - Welfare – State

^۵ - شایان ذکر است بانک جهانی در گزارش خود با عنوان: Sub-Saharan Africa, From crisis to sustainable growth, A

long perspective study شرط توسعه و رشد اقتصادی در آفریقا را منوط به بکارگیری رهیافت حکمروایی مطلوب می‌داند

967:2007) et al که نهایتاً به ایجاد شرایط قانونمندی و کنش جمعی کمک می‌کند حکمروایی مطلوب شهری در این معنی حاوی معنایی دوگانه است. به این ترتیب که در یک سمت این مفهوم به تجلیات تجربی انطباق دولت با محیط بیرونی و از طرف دیگر بر الگوی مفهومی یا نظری همیاری نظامات اجتماعی و نقش دولت در این فرایند مربوط است (Bhuiyan,2010:126). بنابراین هرم حکمروایی شهری حامل سه عنصر فوق خواهد بود که فقط یک ضلع آن مربوط به دخالت دولت است و اضلاع دیگر آن متحمل حضور جامعه مدنی و بازار است (شکل ۱)



شکل ۱- هرم کنشگران حکمروایی مطلوب شهری

۲-۵- شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری

شهر، محل تلاقی جریانهای کالا، مردم، سرمایه و اطلاعات است (Harris,2003:2540). شکل‌گیری شهر - منطقه‌های ملی و جهانی، مجموعه‌های شهری را با صلاحیت‌های قانونی چندگانه و چند سطحی مواجه کرده است و مسائل چندی را پیش روی نهادهای شهری و شهرداری‌های مجاور در زمینه تامین خدمات شهروندان و زیرساخت‌ها قرار می‌دهد (Baud and Dhanalakshmi,2007:133). بنابراین سطوح عملکردی حکمروایی مطلوب متغیر است و شامل سطوح جهانی، ملی، بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی می‌شود (Batterbury and Fernando,2006:1853). مفهوم حکمروایی شهری متضمن همه ویژگی‌ها و شاخص‌های هنجاری موازی با- مفهوم حکمروایی و مطلوب همانند شمول و دربرگیرندگی، مسئولیت‌پذیری، انصاف، کارایی، مشارکت، نقش جامعه مدنی و غیره است و در عین حال این مفهوم به یک بعد فضایی اشاره می‌کند و شامل برنامه- ریزی به عنوان کارکرد حکمروایی شهری است (Sadashiva,2008:12). مک‌کارنی و دیگران عقیده دارند پذیرش مفهوم حکمروایی به منظور تحلیل شهری در واقع تغییر جهت اندیشه از چشم اندازهای دولت‌گرا به سمت نقش کنشگران متعارف همانند انجمن‌های مدنی، سازمان‌های اجتماع محلی و بخش خصوصی است و پوریو آنرا مدل روابط قدرت در بین سهامداران مختلف در شهرها می‌داند (Ibid). مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد ((هیتات)) در دومین کنفرانس سکونت‌گاه‌های انسانی در سال ۱۹۹۶ مُنادی ظهور رهیافت نوین حکمروایی شهری بر مبنای تغییر در رهیافت تدارک و تهیه مستقیم کالا و خدمات توسط دولت به یک رهیافت توانمندسازی است که بر مبنای سه راهبرد اصلی قرار دارد و عبارتند از: تمرکز زدایی از مسئولیت‌ها به نفع نهادهای محلی، تقویت مشارکت جامعه مدنی و استفاده از همکاری مردم در دستیابی به موضوعات مشترک (UN Habitat,2005). عملیاتی کردن، سنجش و ارزیابی مفهوم حکمروایی مطلوب شهری نیازمند شاخص‌های مقتضی و متناسبی است. برنامه توسعه سازمان ملل متحد ۱۵ شاخص و ویژگی عمده برای حکمروایی مطلوب شهری تعریف کرده است که عبارتند از: مشارکت، حکومت قانون، شفافیت، عدالت، کارایی و تاثیرگذاری، پاسخ‌گویی، نگاه راهبردی، مشروعیت، موضوعات اکولوژیکی، توانمندسازی، همکاری و موضوعات فضایی اجتماعات محلی (UNDP:1997) همچنین مرکز اسکان بشر سازمان ملل، ۲۶ شاخص را در پنج گروه

اصلی به منظور سنجش حکمروایی مطلوب شهری طراحی کرده است (Stewart, 2006: 197) که در این تحقیق با توجه به اهمیت مفاهیم دیگری هم چون سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی، عقلانیت ارتباطی هابرماس و الگوی فعالیت‌مندی غیر اقتصادی، تناسب ویژگی‌ها و شاخص‌های مورد نظر با مفاهیم اخیر مورد نظر بوده است. از این رو شاخص‌های زیر که منتج از گفتمان جهانی حکمروایی مطلوب شهری است مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲-۵-۱- مشارکت:

این شاخص به صورت گسترده‌ای به عنوان یکی از ابعاد اساسی حکمروایی مطلوب شهری پذیرفته شده است (UN-Habita, 2002: 8). در حالی که ریطوریقای ۱ مشارکت برکنش متقابل تسهیم دانش، دیالوگ سیاسی و تعهدات جمعی تمرکز دارد (Mercer, 2003: 744) آمارتیا سن آن را توانایی مردم برای دگرگونی واقعیت از طریق تغییر اجتماعی می‌داند (Sen, 1999: 86)، بنابراین و با عطف توجه به مفاهیم سرمایه اجتماعی و فعالیت‌مندی غیر اقتصادی کنشگران شهری می‌توان گفت که مشارکت عبارت است از فرایند توانایی مستمر و با ثبات به منظور تعریف و تحلیل مسائل، تنظیم کردن و طرح راه‌حل‌ها، تحرک منابع و بکارگیری آنها در همه سطوح نیازهای توسعه مردم تا کنشگران بتوانند بر فرایندهایی که زندگی آنها را متاثر می‌کند نظارت و کنترل داشته (Peris et al, 2011: 85) و همه مردان و زنان در فرایند تصمیم‌گیری نقش داشته باشند. چه به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروعی که تمایلات و علایق آنها را بیان می‌کنند (Sadashiva, 2008: 8). از این رو نیازمند جامعه مدنی فعال و پویا به منظور تعامل با مدیران شهری است.

۲-۵-۲- پاسخگویی:

این شاخص متن عمومی حکمروایی مطلوب شهری است (Call, 2003: 22) و به چگونگی عملکرد واقعی برنامه‌ها (Gore and Wells, 2009: 160) که توسط نهادهای مدیریت شهری اجرا می‌شود، اشاره می‌کند. به عبارت دیگر این نهادها باید در ارتباط با تاثیرگذاری سیاست‌هایشان در برابر بخش اعظم جامعه مسئولیت پذیر باشند (Batterbury and Fernando, 2006: 1853) که در عین حال مربوط به شفافیت و قابل رویت بودن تصمیمات و سیاست‌های حکومت و ساز و کارهای پاسخگویی در برابر سطوح پایین جامعه است (Call, 2003: 22). این شاخص موازی با شاخص قبلی یعنی مشارکت است به عبارتی، پاسخگویی به ظرفیت کنترل و نظارت در فرایند مشارکت در تصمیم‌گیری شهری اشاره دارد، از این رو در روابط بین نهادهای عمومی و شهروندان قرار می‌گیرد (Peris et al, 2011: 85). جامعه مدنی فعال و سرمایه اجتماعی شهروندان، پاسخگویی مدیران شهری را تقویت می‌کند که این امر باعث دسترسی به اطلاعات و مبارزه بر علیه فساد می‌شود (UN- Habita, 2002). گفتمان ایده آل کلامی و محدود کردن عقلانیت ابزاری، از رهگذر پاسخگویی نهادهای شهری و مشارکت مردم به وجود می‌آید.

۲-۵-۳- حکومت قانون:

کنش‌های بازیگران اجتماعی در سطوح مختلف نیازمند تسهیم منافع حاصل از مصرف منابع است. در جوامع بزرگ شهری شده، به چارچوبهای قانونی مطلوب و بی‌طرف به خصوص قوانین حقوق انسانی نیاز است

^۱ ریطوریکا (Rhetoric) واژه ای یونانی است و تبار آن به بحث های داغ سوفسطاییان پیشاسقراطی و مهارت سخن وری و اقناع کلامی آنها بر می‌گردد. معنای کلاسیک آن ابرازی بیانی در فراگردی مکالماتی و گفتاری است اما امروزه از تحلیل ریطوریقای (Rhetoric Analysis) نام برده می‌شود که جایگاه ویژه ای در در نظریه ادبی (Literary Theory) و نظریه انتقادی (Critical Theory) دارد و در سال‌های اخیر هم سو با فلسفه زبان، هرمنوتیک و پسا ساختارگرایی نقش موثری در تحلیل امر اجتماعی (The Fact) دارد. از این رو ما از ترجمه آن به فن خطابه، فن سخنوری که ناظر بر وجه گفتاری بیان است اجتناب کرده ایم.

(Sadashiva,2008:7) هم‌چنین لازمه‌ی برقراری حکومت قانون در متن روابط بازیگران، حکروایی مطلوب شهری نیازمند است.

۲-۵-۴- توانمندسازی:

توانمندسازی عبارت است از گسترش دارایی‌ها و توانایی‌های افراد فقیر به منظور مشارکت، چانه زنی، تاثیر گذاری، کنترل و حفظ موسسات پاسخگویی که زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهند (Narayan,2002:13-14). با توجه به گذار از الگوی فاعلیت‌مندی ابزاری و اقتصادی به سوی الگوهای ارتباطی و گفتمان کلامی در حکروایی مطلوب شهری، حضور همه گروه‌های اجتماعی به منظور پویایی جامعه مدنی ضروری است. پیش شرط این ضرورت، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی اجتماعی- اقتصادی و افزایش قدرت چانه زنی گروه‌های اجتماعی، مخصوصاً اجتماعات فقیر شهری است. ظرفیت‌سازی در واقع موازی با توسعه منابع انسانی همانند آموزش و مهارت است (Bontenball,2009:182).

۲-۵-۵- عدالت و انصاف:

این شاخص توزیع مجدد ثروت و امکانات شهری با مشارکت و تاثیرگذاری فقرای شهری است. عدالت به معنی بی طرفی در فرایندهای تصمیم‌گیری است (Stewart,2006:201) که باعث می‌شود همه مردان و زنان- شهری فرصتهایی را برای ایجاد رفاه و حفاظت از آن داشته باشند (Sadashiva,2008:7). سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی و مدنی همه‌ی شهروندان باعث افزایش قدرت چانه زنی در جهت جذب منافع و توزیع ثروت خواهد شد.

۲-۵-۶- تاثیرگذاری:

این شاخص در یک نگاه وسیع‌تر به عنوان نقش موسسات محلی در حکروایی شهری نگریسته می‌شود که در این چشم‌انداز شهرداری از یک نهاد تامین‌کننده خدمات به یک توسعه‌دهنده‌ی اجتماعات محلی تغییر ماهیت می‌دهد (Bontenbal,2009:182) و هم‌چنین ناظر بر فرایندها و نهادهایی است که ضمن استفاده- مناسب از منابع، نیازمندی‌های شهروندان را نیز برطرف می‌کند (Sadashiva,2008:7). تاثیر گذاری حکروایی شهری مستقیماً امرار معاش تعداد کثیری از مردم را متاثر می‌کند. مخصوصاً آنهایی که برای زنده ماندن شدیداً به مساعدت عمومی نیاز دارند (Zhang,2004:2859). از این‌رو شهرداری و نهادهای مدیریت شهری به درآمدهای مالی متنوع و منابع اقتصادی با مشارکت و تشریک مساعی سرمایه‌گذاران و شهروندان نیازمند است که این کنش جمعی نه تنها تاثیر گذاری این نهادها را افزایش می‌دهد بلکه هم‌چنین باعث کاهش هزینه‌ها نیز می‌شود.

۳- روش‌شناسی تحقیق:

روح کلی حاکم بر روش‌شناسی تحقیق حاضر، استدلال قیاسی و محک تجربی است. به عبارتی با توجه به ادبیات نظری موجود در ارتباط با متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی) و متغیر وابسته (حکروایی مطلوب شهری) به تحلیل رابطه بین آنها به روش پیمایش میدانی اقدام نموده ایم. با توجه به گستردگی میدان عملیاتی تحقیق و احتمال دخالت متغیرهای ناخواسته و گریز از یکسونگری^۱ که مبتلا به اغلب تحقیقات علوم اجتماعی است، تلاش فراوانی به کار برده ایم تا شاخص‌های انتخاب شده دقیقاً متناظر با متغیرهای مورد نظر

^۱ - Bias

۳-۳-۱- خوشه اول (نهادهای رسمی):

شهرداری تبریز؛ انتخاب شهرداری به عنوان خوشه آماری نهادهای رسمی به علت نزدیک بودن ماهیت فعالیت‌ها و کارکردهای شهرداری با محتوای موضوع مقاله بوده است. شهرداری بزرگترین نهاد مدیریتی-حکومتی شهر است و در عین حال اکثر گویه‌های مطرح شده متناظر با عملکردهای شهرداری است.

۳-۳-۲- خوشه دوم (نهادهای جامعه مدنی):

شورای اسلامی شهر تبریز و انجمن اولیا و مربیان مدارس شهر تبریز. انتخاب شورای اسلامی و انجمن اولیا و مربیان شهر تبریز، ناشی از گستردگی و سطح وسیع عملکردهای آن‌ها در ارتباط نزدیک با شهروندان و طیف وسیعی از مردم است. نهادهای مدنی قابل ذکر دیگر نظیر جامعه‌ی مهندسی و خانه‌ی کارگر یا حتی انجمن‌های ورزشی به علت شدت صنفی و گروهی بودن فعالیت‌هایشان و نیز عدم پوشش طیف وسیع جمعیت شهر نمی‌توانستند به عنوان خوشه‌ی آماری انتخاب شوند.

۳-۳-۳- خوشه سوم (بازار و بخش خصوصی): بازار تبریز، صنف طلا و جواهر

انواع اصناف و انجمن‌های بازاری در بازار بزرگ تبریز وجود دارد که انتخاب صنف طلا و جواهر به عنوان خوشه آماری ناشی از دو علت مهم است. نخست این که عرضه و تقاضا در این صنف به شدت از تحولات عرصه‌های مرتبط با حکمروایی مطلوب شهر متاثر می‌شود. بدین صورت که اگر شاخص‌های حکمروایی مطلوب برقرار گردد تعادل نسبی در بازار عرضه و تقاضا به وجود می‌آید^۱. در حالی که شدت تاثیر پذیری اصناف دیگر مثلاً صنف کفش یا فرش یا واحدهای دیگر تا این حد نیست و نیازهای روزمره در هر صورت بر طرف می‌شوند و دوم اینکه صنف طلا و جواهر یکی از اصناف بزرگ بازار مرکزی شهر تبریز است.

حجم نمونه با استفاده از فرمول عمومی کوکران و به روش تخصیص متناسب با سطح اطمینان ۹۵ درصد و مقدار دقت احتمالی ۰/۰۶، به تعداد ۳۰۰ نفر انتخاب شده است. لازم به ذکر است که با توجه به حجم بالای جامعه آماری در خوشه دوم و سوم و نیز جلوگیری از سوگیری نمونه، همان‌طور که اشاره شده است جامعه آماری محدودی انتخاب شده است تا عدد نمونه گیری صحت علمی داشته باشد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{2 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

۳-۴- تامین قابلیت اعتماد:

به منظور پایایی تحقیق، دقت زیادی به کار برده ایم تا با تحدید میدان عملیاتی تحقیق، شاخص‌ها و گویه‌ها، دقیقاً متناظر با مفاهیم و متغیرهای مطرح شده باشد. به این منظور هم به روش دلفی از نظر اساتید محترم علوم اجتماعی از جمله جغرافیای انسانی، جامعه شناسی و اقتصاد بهره برده‌ایم و هم‌چنین از درون یابی آماری برای قابلیت اعتماد سازه‌ها و ضرایب‌آلفا از فرمول کرونباخ استفاده شده است که بر این مبنا مقادیر زیر به دست آمده است

$$r^2 = \frac{j}{j-1} \left(1 - \frac{\sum s_j^2}{s^2} \right)$$

^۱ - توضیح اینکه صنف طلا و جواهر به علت حساسیت فوق العاده، به شدت متاثر از باراهای جهانی نفت و تغییر شاخص بورس های دنیاست.

جدول ۱- آلفا کرونباخ سازه های تحقیق

متغیرها	سازه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
مشارکت	تاثیر مشارکت افراد در مسائل عمومی شهر در مسئولیت پذیری مدیران شهری	۵	۱۶۰
	فساد اداری و رشوه خواری مدیران شهری نتیجه عدم دخالت مردم در مسائل عمومی	۳	۱۷۰
	حضور فعال در انجمن های مدنی مانند انجمن اولیا و مربیان مدرسه، نقش مهمی در کارایی آموزشی مدرسه دارد	۲	۱۷۱
	کارهای گروهی و تشکل های اجتماعی ضامن شفافیت امور مالی و برنامه ریزی بودجه در نهادهای مدیریت شهری خواهد بود	۴	۱۶۵
حکومت قانون	انتشار صورت حساب های مالی نهادهای مدیریت شهری و شفافیت بودجه در کاهش فساد اداری تاثیر دارد	۳	۱۷۰
	فقدان قوانین موضوعه مناسب، پاسخگویی مدیران شهری در برابر افکار عمومی و مردم کاهش می یابد	۳	۱۸۵
	شرکت در انتخابات و اعتماد نهادی به مسئولان دولتی باعث قانون مداری آن ها خواهد شد	۴	۱۷۶
	نظارت موثر شورای شهر و نهادهای مدنی باعث تقویت بنیادهای قانونی اقدامات و مسئولیتهای شهرداری خواهد شد	۳	۱۶۵
عدالت و انصاف	دخالت همه شهروندان در تصمیم گیری های شهری	۲	۱۶۳
	مشارکت مردم و گروه های مدنی باعث توزیع فضایی مناسب امکانات و خدمات شهری خواهد شد	۳	۱۶۱
	سیاست های شهرداری و نهادهای مدیریت شهری باید به توزیع مجدد ثروت و منابع به نفع گروه های فقیر جامعه و حاشیه نشینان باشد	۳	۱۸۵
	اعضای شورای شهر در برابر مسائل و معضلات شهر مسئولیت پذیری بیشتری نسبت به کارکنان شهرداری دارند	۲	۱۶۵
پاسخ گویی	پاسخگویی مدیران شهری در برابر شهروندان و مسئولیت پذیری آنان باعث جذب سرمایه گذاری توسط بخش خصوصی خواهد شد	۴	۱۸۵
	تشکل های اجتماعی گروه های فقیر جامعه همانند حاشیه نشینان شهری باعث افزایش پاسخگویی مدیران شهری در برابر آنها می شود	۴	۱۶۷
	شبکه اجتماعی موجود در محله مانند هیئت های مذهبی و یا ورزشی نقش مهمی در پاسخگویی مدیران شهری دارد	۳	۱۶۴
	اجتماعات محلی و گروه های غیر رسمی (NGOs) در ظرفیت سازی و توانمند سازی ففرای شهری تاثیر دارد	۴	۱۷۱
توانمند سازی	شهرداری و نهادهای مدیریت شهری باید از کسب و کارهای خانوادگی و کوچک مقیاس حمایت کند	۳	۱۷۲
	مشارکت همسایگان و تشریک مساعی، نقش مهمی در کارایی و تاثیر گذاری نهادهای مدیریت شهری خواهد داشت	۳	۱۶۵
تاثیر گذاری	درآمدهای مالی و تنوع منابع اقتصادی شهرداری، باعث تاثیر گذاری و کارایی تصمیم گیری آنها خواهد شد	۲	۱۶۴
	رضایت متدی مردم و گروه های اجتماعی از عملکرد نهادهای مدیریت شهری باعث تاثیر گذاری و کارایی آنها خواهد شد.	۲	۱۷۵

منبع: نگارندگان

۳-۵- حکمروایی مطلوب شهری و سرمایه اجتماعی؛ یافته های تجربی تحقیق

۳-۵-۱- آمار توصیفی:

در این تحقیق که در شهر تبریز انجام شده است ۲۱۰ نفر از پاسخگویان مرد (۷۰ درصد) و ۹۰ نفر زن (۳۰ درصد) بودند. میانگین سنی پرسش شوندگان ۳۸/۲۷ برای مردان و ۲۹/۳۴ برای زنان بود که واریانس این

متغیر برای مردان ۲۷ سال و برای زنان ۲۱ سال به دست آمد. ۶۰ درصد پاسخگویان ماهانه بطور متوسط ۵۲۰۰۰۰۰ ریال، درآمد داشتند. توزیع فراوانی مردان متاهل ۹۵ درصد و زنان متاهل ۸۹ درصد بوده است.

۳-۵-۲- آزمون فرضیه:

به منظور محک تجربی، از آزمون T- student استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل آماری نشان می دهد که شاخص های متغیر وابسته از طرف خوشه های تحقیق رد نشده است، بنابراین فرضیه فوق تایید می گردد.

جدول ۲- آزمون T- Student به تفکیک شاخصها و خوشه ها

Sig	df	T- Value	Cluster	Variable
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۵۲	نهادهای رسمی	مشارکت
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۲۵	جامعه مدنی	
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۲۵	بازار و بخش خصوصی	
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۶۳	نهادهای رسمی	حکومت قانون
.۰/۰۰۰	۹۹	۲/۲۲	جامعه مدنی	
.۰/۰۰۰	۹۹	۲/۲۰	بازار و بخش خصوصی	
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۰۴	نهادهای رسمی	عدالت و انصاف
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۶۵	جامعه مدنی	
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۰۵	بازار و بخش خصوصی	
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۴۲	نهادهای رسمی	پاسخ گویی
.۰/۰۰۰	۹۹	۲/۲۲	جامعه مدنی	
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۱۲	بازار و بخش خصوصی	
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۱۴	نهادهای رسمی	توانمندسازی
.۰/۰۰۰	۹۹	۲/۴۵	جامعه مدنی	
.۰/۰۰۰	۹۹	۲/۸۵	بازار و بخش خصوصی	
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۱۴	نهادهای رسمی	تاثیرگذاری
.۰/۰۰۰	۹۹	۲/۱۲	جامعه مدنی	
.۰/۰۰۰	۹۹	۱/۷۴	بازار و بخش خصوصی	

منبع: نگارندگان

۴- نتیجه گیری

رهیافت حکمروایی مطلوب شهری نوعی رمانتیسیسم فلسفی و یا ارمغان تفکری غیر واقع بینانه و آرمان شهر گرایانه نیست بلکه متفاوت از رهیافت های مرسوم مدیریت شهری و شهرداری گرایایی که عمدتاً بر مبنای عقلانیت ابزاری و مالکیت خصوصی شهروندان قرار دارد از رهگذر عقلانیت ارتباطی آنها و متشکل بر بنیان سرمایه اجتماعی به وجود می آید. کنشگران عرصه این رهیافت فقط نهادهای رسمی و حکومتی همانند

شهرداری‌ها نیستند بلکه با توجه به واقعیت توسعه فزاینده شهری و تغییرات سریع و گسسته، نهادهای جامعه مدنی و گروه‌های غیر رسمی و بخش خصوصی و بازار نیز حضور دارند و فرایند حکمروایی مطلوب شهری از رهگذر گفتمان ایده‌آل کلامی آن‌ها پیش می‌رود. نظم نهادی - فضایی مترتب بر آنها الگوی شهرنشینی ارتباطی به جای شهرنشینی ابزاری با چسب نگهدارنده سرمایه اجتماعی است. به عبارت دیگر با توجه به گستردگی و پیچیدگی نظام شهری و شهرنشینی، حکومت‌ها نمی‌توانند یگانه بازیگر عرصه برنامه‌ریزی و توسعه شهری باشند، بلکه ضروری است با توجه به شاخص‌هایی هم‌چون پاسخگویی، توانمندسازی، حکومت قانون، مشارکت، تاثیر گذاری، عدالت و انصاف، بازیگران دیگری از جمله جامعه مدنی و بازار و بخش خصوصی در تصمیم‌گیری شهری سهیم باشند. خوشه‌های مورد مطالعه ما در شهر تبریز شکل‌گیری فرایند حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی شهروندان را مورد تایید قرار داده‌اند و به عبارتی در چارچوب رهیافت فوق بازیگران شهری خواستار ایفای نقشی موثرتر و مفیدتر هستند و توزیع مجدد ثروت و کالاهای عمومی شهر را از این طریق امکان‌پذیر می‌دانند. با این حال برقراری حکمروایی مطلوب نیازمند پی‌ریزی چارچوب‌های قانونی - مدنی نوینی است که بتواند زمینه را برای تقسیم‌چالش برانگیز قدرت از نهادهای رسمی به جامعه مدنی و بازار و بخش خصوصی را آماده سازد. در ایران در سال‌های اخیر چهار عامل زیر باعث تقویت ضرورت حکمروایی مطلوب شهری می‌شود:

- ۱- مساله کوچک کردن دولت در قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور.
 - ۲- اصل ۴۴ قانون اساسی کشور مبنی بر خصوصی سازی بسیاری از شرکت‌ها، بانک‌ها و نهادهای دولتی از طریق واگذاری سهام آنها در بورس.
 - ۳- کاهش کمک‌های دولت به شهرداری‌ها مخصوصاً شهرداری‌های کلان شهرهای تهران، مشهد، تبریز و اصفهان.
 - ۴- واگذاری خدمات شهری به بخش خصوصی و تقویت عملکرد نظارتی شهرداری‌ها.
- در پیشبرد چهار عامل فوق، کنشگران اصلی هرم حکمروایی مطلوب شهری (شکل ۲) به عنوان بازیگران اصلی ایفای نقش خواهند کرد. بنابراین ضرورت هماهنگی بین آنها بر بنیان سرمایه اجتماعی وجود دارد. هم‌چنین حکمروایی مطلوب شهری یک فرایند است تا یک پیامد. با توجه به تغییرات فزاینده ناشی از جهانی شدن و نقش فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در برقراری جریان آزاد اطلاعات، سنتزهای نوینی از تقابل تزاها و آنتی تزاها عوامل فوق صورت خواهد گرفت که شناخت مستقیم آن‌ها از هم‌دیگر به واسطه سرمایه اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد.

۵- فهرست منابع

- اسلیتر دن، تونکیس فرن (۱۳۸۶)، *جامعه بازار؛ بازار و نظریه اجتماعی مدرن*، ترجمه‌ی حسین قاضیان، نشر نی، چاپ اول، تهران
- احمدی بابک (۱۳۸۵)، *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، نشر مرکز، چاپ ششم، تهران
- پتریک تونی فیتز (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه؛ سیاست اجتماعی چیست؟*، ترجمه‌ی هرمز همایون پور، نشر گام نو، چاپ اول، تهران
- تاجبخش کیان (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه، چاپ دوم، تهران
- حقیقی شاهرخ (۱۳۸۷)، *گذار از مدرنیته؟ نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا؛ نشر آگه*، چاپ چهارم، تهران
- غنی نژاد موسی (۱۳۷۸)، *جامعه مدنی؛ آزادی، اقتصاد و سیاست*، نشر طرح نو، چاپ دوم، تهران
- گیدنز آنتونی، بردسال کارن، (۱۳۸۷)، *جامعه شناسی*، ترجمه‌ی حسین چاوشیان، نشر نی، ویراست چهارم، چاپ دوم، تهران
- هاروی دیوید (۱۳۷۹)، *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه‌ی فرخ حسامیان، محمدرضا حائری، بهروز منادی زاده، نشر شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ دوم، تهران
- هولاب رابرت (۱۳۸۸)، *یورگن هابرماس؛ نقد در حوزه عمومی؛ مجادلات فلسفی هابرماس با پوپری ها، گادامر، لومان، لیوتار، دریدا و دیگران*، ترجمه دکتر حسین بشیریه، نشر نی، چاپ پنجم، تهران
- Ahmed I. (1999), **Governance and the international development community: making sense of the Bangladesh experience**. *Contemporary south Asia*, Vol.3, No.3, pp: 295-309
- Ayers A.J. (2008), “ we all know a democracy when we see one”(neo)liberal orthodoxy in the democratization and good governance project, *Policy and society*, No.27, pp: 1-13
- Batterbury S.P.j. and Fernando j.L.(2006), **Rescaling governance and the impacts of political and environmental decentralization: an introduction**, *World development*, Vol.34, No.11, pp:1851-1863
- Baud I. and Dhanalakshmi R.(2007), **Governance in urban environmental management: comparing accountability and performance in multi- stakeholder arrangements in south India cities**, *Cities*, Vol.24, No.2, pp: 133-147
- Besser T.(2009), **Changes in small town social capital and civic engagement**, *Rural studies*, No.25, p: 185-193
- Bhuiyan S.H.(2010), **A crisis in governance: urban solid waste management in Bangladesh**, *Habitat international*, No.34, pp:125- 133
- Bontenball M.C. (2009), **Strengthening urban governance in the South through city – to – city cooperation. Towards an analytical framework**, *Habitat international*, No.33, pp: 181-189
- Bulkery H.(2005), **Reconfiguring environmental governance: towards a politics of scales and networks**, *Political geography*, No.24, pp:875- 902
- Buizer M. and Herzel A.V.(2010), **Combining deliberative governance theory and discourse analysis to understand the deliberative incompleteness of centrally formulated plans**, *Forest policy and economic*, No.xxx, pp: 1-9

- Button K. (2002), **City management and urban environmental indicators, Ecological economics**, No.4,pp:217-233
- Carpiano R.M.(2008), **Actual or potential neighborhood resources and access to them: Testing hypotheses of social capital for the health of female caregivers**, Social science and Medicine, No.67, pp: 568- 582
- Chuang Y.C, Chuang K.Y,(2008), **Gender differences in relationships between social capital and individual smoking and drinking behavior in Taiwan**, Social science and Medicine, No.67,pp: 1321- 1330
- Coleman JS. (1990), **Foundations of social theory**,Belknap press of Harvard university
- Folland S.(2007), **Does community social capital contribute to population health?**, Social science and Medicine, No.64,pp: 2342- 2354
- Gore T. and Wells P(2009), **Governance and evaluation: the case of EU regional policy horizontal priorities**, Evaluation and program, No.32,pp:158-167
- Granovetter M. (1985), **Economic action, social structure and embeddedness**, American journal of sociology,No.91,pp: 481- 510
- Harris N. (2003), **Globalization and the management of cities**, *Economic and political weekly*, No.38,pp: 2535-2543
- Hyden G., Court J. and Mease K. (2004), **Making sense of governance: empirical evidence from sixteen developing countries**, Boulder: Lynne Rienner
- Ishihara H. and Pascuala U. (2009), **Social capital in community level environmental governance: a critique**, ecological economics, No.68,pp:1549- 1562
- Jones N.(2010), **Environmental activation of citizens in the context of policy agenda formation and influence of social capital**, Social science, No.47, pp: 121- 136
- Maru Y.T., Macalister R.R.J., Smith M., Stafford S.(2007), **Modeling community interactions and social capital dynamics: the case of regional and rural communities of Australia**, agricultural systems, No. 92,pp: 179-200
- Marris E.V., Bolt G., Kempen R.V. (2006), **Urban governance and social cohesion: effects of urban restructuring policies in two Dutch cities**, *Cities*, Vol.23,No.4,pp: 279-290
- McCall M.K(2003), **Seeking good governance in participatory- GIS: a review of processes and governance dimensions in applying GIS to participatory spatial planning**, Habitat International,No.27,pp:549- 573
- Mercer C. (2003), **Performing partnership: civil society and the illusions of good governance in Tanzania**, Political geography, No.22,pp: 741- 763
- Narayan Deepa (2002), **Empowerment and Poverty reduction; a source book**, the World Bank press.
- Peris J.,Cebillo-Baque M.A.,Calabuig C.(2011), **Scrutinizing the link between participatory governance and urban environmental management, the experience in Arequipa during 2003-2006**, Habitat international,No.35,pp: 84-92
- Perkins H.A.(2009), **Out from the (green) shadow? Neoliberal hegemony through the market logic of shared urban environmental governance**, Political geography,No.28,pp:395- 405
- Polanyi K. (1992), **The economy as an instituted process**, in M. Granovetter and R. Swedberg, *The sociology of economic life*, Westview press

- poortinga W.(2006), **social relations or social capital? Individual and community health effects of bonding social capital**, social science and medicine, No.63, pp: 255- 270
- Putnam R. (1993), **Making democracy work**, Princeton, New Jersey: Princeton University press
- Rakodi P.(2003), **Politics and performance: the implications of emerging governance arrangements for urban management approaches and information systems**, Habitat international, No.27,pp:523-547
- Roberts S.M., Wright S. and O’Neil PH. (2007), **Good governance in the Pacific? Ambivalence and possibility**, Geoforum, No.38, pp: 967- 984
- Roy I. (2008), **Civil society and good governance : (Re)conceptualizing the interface**, World development, Vol.36, No.4, pp: 677-705
- Sadashiva m. (2008), **Effects of civil society on urban planning and governance in Mysore, India**, Doctoral thesis, Technical university of Dortmund
- Schneider J.A.(2007), **Connections and disconnections between civic engagement and social capital in community- based nonprofits**, Nonprofit and voluntary sector quarterly, Vol.36
- Sen A. (1999), **Development as freedom**, Oxford university press
- Snelgrove W.J, Pikhart H. Stafford M.(2009), **A multi level analysis of social capital and self – rated health: evidence from the British household panel survey**, social science and medicine, No.68, pp: 1993- 2001
- Spelleberg A.(2001), **Framework for the measurement of social capital in new Zealand**, new Zealand statistics
- Stewart K. (2006), **Designing good urban governance indicators: the importance of citizen participation and its evaluation in Greater Vancouver**, Cities, Vol.23, No.3, pp:196-204
- Stoker G. (1998), **Public – Private partnerships and urban governance.**
- Suzuki E., Takao S. Subramanian SV., Kumatsu H., Doi H., Kawachi I. (2010), **Does low work place social capital have detrimental effect on worker’s health?** Social science and Medicine, No.70, pp: 1367- 1372
- Titeca K., Vervisch T.(2008), **The dynamics of social capital and community associations in Uganda: linking capital and its consequences**, world development, Vol.36, No.11, pp: 2205-2222
- UNDP(1997), **Governance for sustainable human development**, New York
- UN Habitat (2002), **The global campaign on urban governance, concept paper**, Nairobi: Un- Habitat
- Williams D., Young T.(1994), **Governance, the world bank and liberal theory**, Political studies, Vol.42, No.1, pp: 84-100
- Zhang X., Fan SH., Zhang L., Huang J.(2004), **Local governance and public goods provision in rural China**, Public Economics, No.88, pp: 2857-2871